

اصلاح طلبان جبهه مشترکی برای تأمین آزادی انتخابات تشکیل دهند

گفت‌وگوی اعتماد ملی با مهندس هاشم صباغیان

سخن گفتن با مردی که بیش از نیم‌قرن را در تلاش برای سعادت و استقلال ایران سپری کرده جذاب و شنیدنی است. در روزی که مهندس صباغیان با ورود به ماه رجب روزه‌دار بود، برایم این سلوک قابل احترام بود. حسی از یک پارادوکس مشکل در توصیف! آنگاه که روزنامه‌نگاری از وی پرسید، آیا از آنچه در زندگی بر شما رفته است، راضی هستید؟ بی‌درنگ پاسخ داد. آری. ما به تکلیف خود عمل کرده و می‌کنیم و فعالیت سیاسی را عین عبادت می‌دانیم، صباغیان در این مرحله از زندگی سیاسی خویش حامل تجارب گرانقدر و قابل تأملی است. گفت‌وگو با وی فتح باب و روزه‌ای برای درک درست‌تر بسیاری از زوایای منسجم عرصه سیاست در دوره معاصر است. آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگویی عصرگاهی است.

"اعتماد ملی ۲۸ مرداد ۱۳۸۶"

* از فرصتی که در اختیار روزنامه اعتماد ملی قرار دادید، سپاسگزارم. به عنوان سؤال مقدماتی می‌خواستم تحلیل جنابعالی و همفکرانتان را از اوضاع کشور به صورت مختصر در امور داخلی جویا شوم.

من هم به سهم خودم تشکر می‌کنم از اینکه روزنامه اعتماد ملی و آقای دکتر فیاض این وقت را گذاشتند امیدوارم که مسائل آنچنان بازگو شود که مفید باشد. ما به طور کلی اوضاع داخلی را دچار بحران‌های زیادی می‌بینیم که اقلاً می‌توان آنها را به ۴ دسته تقسیم کرد، که اگر با این بحران‌ها به درستی برخورد نشود ممکن است در آینده با مشکلاتی برخورد کنیم. اولین بحران ما، بحران مدیریت است. بعد بحران اقتصادی، طبعاً بحران انرژی اتمی که هنوز حل نشده و حادثه‌ای که اخیراً پیش آمده، بحران بنزین است. البته بحران‌های دیگر مثل آسیب‌های اجتماعی و مسائل دیگر هم وجود دارد که رسیدگی به هرکدام می‌تواند مسائل را مورد بررسی خاص قرار دهد. وقتی بحران به وجود می‌آید، طبیعی است که برای حل آن به مدیریت بحران نیاز است. مدیریت بحران با مدیریت معمولی فرق دارد. یک زمان جامعه در حالت عادی اداره می‌شود، آن شرایط نیاز به یک نوع مدیریت دارد. ولی اگر جامعه دچار بحران باشد مدیریت خاص خودش را می‌طلبد. ما فکر می‌کنیم که مدیریتی که الان جامعه را اداره می‌کند در خیلی از قسمت‌ها دارای نقاط ضعفی است که حل این بحران‌ها را خارج از توان آن می‌کند. به همین دلیل می‌بینید که بحران اقتصادی روزه‌روز تشدید می‌شود. یعنی از ابعاد مختلف در جامعه ما چه به صورت کلان و چه به صورت جزئی مسائل اقتصادی مطرح است. مسائل اقتصادی در بعضی از خانواده‌های کم‌بضاعت و زیر خط فقر به حدی بالا رفته که حل مشکل‌شان کار ساده‌ای نیست. یا بحران مدیریت در جامعه ما هر روز می‌بینیم که مدیران سابق که مدیران با تجربه بودند و وابستگی گروهی هم نداشتند، کنار گذاشته می‌شوند.

وقتی که یک حزب یا گروهی سرکار می‌آیند این حق را دارد که از عوامل خودش استفاده کند و با عوامل قبلی که وابستگی به حزب‌های دیگر داشته‌اند آمادگی ادامه کار نداشته باشد، ولی اینکه مدیری را به صرف اینکه در سیستم گذشته کار می‌کرده، کنار بگذارند برخورد صحیحی نیست. چون همانطور که خودتان می‌دانید تا یک مدیر باتجربه شود جامعه برای آن هزینه فراوانی صرف می‌کند و اینکه ما هزینه‌ها را از دست بدهیم و از افرادی استفاده کنیم که تجربه کافی در کاری که به عهده‌شان گذاشته شده ندارند طبیعی است که بحران را تشدید می‌کند.

*** از نظر بین‌المللی ایران چه شرایطی دارد؟ شما چه تحلیلی از اوضاع بین‌المللی ادراک می‌کنید؟**

یکی از بحران‌های ما، بحران‌های بین‌المللی یا برون مرزی ما است. سفیران ما همانطور که از اسم‌شان پیدا است در حل و فصل مسائل بین‌المللی خیلی نقش دارند. اگر سفیر یک دیپلمات باتجربه باشد که در گذشته مسیری را طی کرده باشد، می‌تواند در صورت بروز بحران آن را حل کند ولی اگر تجربه کافی نداشته باشد از حل آن عاجز است و بحران را تشدید هم می‌کند. یکی از بحران‌های بین‌المللی که ما داریم این است که ما سعی کرده‌ایم با کشورهای - بدون اینکه اسم ببرم - روابط حسنه برقرار کنیم که نقش زیادی در مسائل بین‌المللی ندارند ولی از طرف دیگر کشورهای مؤثر مثل اتحادیه اروپا، چین، روسیه یا انگلستان و غیره در گذشته به جایی رسیده بودند که هر کدام براساس منافع خودشان برخورد خاص و جدا از دیگری با ما داشته‌اند اما الان همه یکپارچه شده‌اند. یک برخورد دیپلماسی صحیح این است که از تضاد روابط بین‌المللی کشورهای دیگر به نفع منافع ملی استفاده کنیم. ما نه تنها از این تضاد استفاده نکردیم بلکه باعث شدیم همه این کشورها یکپارچه شوند. به همین دلیل در سه قطعنامه‌ای که به تصویب رسید مشاهده کردیم که در آراء، همه کشورها در مقابل ما صف کشیده‌اند. درحالی‌که یک برخورد صحیح روابط بین‌الملل می‌توانست آنها را از یکپارچگی خارج کند. ما مسائل را برحسب شواهدی که می‌بینیم، بررسی می‌کنیم و به نظر می‌رسد احتمال اینکه مسائل انرژی هسته‌ای حل شود در آن جهت حرکت می‌کند و این باعث خوشحالی ماست چرا که حل این بحران را به نفع منافع ملی مان می‌دانیم.

*** ارزیابی جریان شما از نوع برخورد دولت جمهوری اسلامی ایران درباره این پرونده چیست؟ به نظر شما تا کجا باید ایستادگی کرد و چگونه باید با شورای امنیت سازمان ملل و قطعنامه‌ها برخورد کنیم؟**

ما قبلاً در این مورد اطلاعی داده‌ایم و نهضت آزادی نظر خودش را بیان کرده است. ما اعتقاد داریم که در مسأله انرژی اتمی عدم موافقت با تعلیق موقت به نفع منافع ملی ما نیست.

*** چرا؟**

در اینکه داشتن دانش هسته‌ای حق هر کشوری است هیچ کشوری را نمی‌توان با قانون یا مصوبه شورای امنیت و سازمان ملل منع کرد. ولی ما که در خلاء زندگی نمی‌کنیم، در دنیای امروز زندگی می‌کنیم. در دنیای امروز باید با این جبهه‌گیری‌هایی که در مورد ما شده به نحو صحیح عمل کرد، اگر برخورد نامناسب با این برخوردها داشته باشیم طبیعی است که منافع ملی ما به خطر می‌افتد. از این نظر ما صلاح را براین می‌بینیم که اگر انرژی هسته‌ای را برای مدت محدودی متوقف کنیم، هیچ مشکلی برای ما به وجود نمی‌آید. چون برحسب ادعاهایی که می‌شود ما در این دانش به حد قابل قبولی رسیده‌ایم و توقف موقت یک تاکتیک است و تاکتیک در حل مسائل می‌تواند نقش بزرگی داشته باشد. ما همیشه یک مثال می‌زنیم: وقتی سیل می‌آید، ایستادن در مقابل آن یک نوع فدا شدن است ولی اگر در یک مقطع کنار بایستیم تا سیل بگذرد یک رفتار منطقی است.

خیلی‌ها در نقطه مقابل معتقدند که ایستادگی دولت ایران در پرونده هسته‌ای شبیه مقاومت دولت ملی مصدق در مقابل ملی‌شدن صنعت نفت است. شما که از علاقه‌مندان دکتر محمد مصدق هستید، چقدر این انطباق را از لحاظ تاریخی درست می‌دانید و اگر درست است به چه دلیل مقاومت در نهضت ملی توجیه‌پذیر بوده و در اینجا نیست؟ اصلاً مقایسه ملی‌شدن صنعت نفت با موضوع انرژی هسته‌ای مقایسه صحیح و درستی نیست.

*** چرا؟**

اگر بخواهیم وارد این ماجرا شویم که مرحوم دکتر مصدق چطور توانست نفت را ملی کند بحث جدایی است و موضوع بحث ما نیست. ولی این مطرح بود که ملی‌شدن صنعت نفت مورد درخواست تمام مردم آن روز بود.

*** شما چه طور به این نتیجه رسیده‌اید، با چه معیار علمی می‌فرمایید مورد خواست تمام مردم ایران بود؟**

به این دلیل که مردم احساس می‌کردند که منافع‌شان در ملی‌شدن است و می‌دیدند که منافع‌شان توسط دولت‌های استعماری برده می‌شود و بعد هم تست‌های مختلفی انجام شد. اینها هم این تست‌ها را بکنند. من آن زمان دانش‌آموز دبیرستان بودم، خاطرم هست که دکتر مصدق با همکاری آیت‌الله کاشانی دوشنبه‌ای را برای اعتصاب عمومی تعطیل اعلام کرد. تمام مردم ایران در آن اعتصاب شرکت کردند. این یک تست است.

ولی من به یاد می‌آورم که آن روز بازارها و خیابان‌ها همه تعطیل بودند و تعطیلی در حد تعطیلی عاشورا و تاسوعا بود.

*** شما که با تعلیق دائمی موافق نیستید؟**

نه، ما اعتقاد داریم تعلیق موقت انجام شود و منافع ما در تعلیق موقت تماماً تأمین خواهد شد. این یک نوع تاکتیک است. مسائل استراتژیک مهم است. "انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست" یک مسأله استراتژیک قطعی است. ولی اگر آن را به طور تاکتیکی برای مدتی به تعویق بیندازند مفید خواهد بود. ظواهر نشان می‌دهد که طرح تعلیق در برابر تعلیق پیش آمده است. یعنی از این سو مدتی است که دیگر در روزنامه‌ها بحثی از مسأله هسته‌ای و سانتریفیوژها که زمانی خیلی داغ بود نمی‌شود. از طرف دیگر مسأله قطعنامه شورای امنیت مدام به تعویق می‌افتد و این نشان می‌دهد که بدون آنکه به بیان بیاید طرح تعلیق در برابر تعلیق پیش می‌رود و ممکن است در همین زمینه به پیشرفت‌هایی برسیم.

*** در ابتدای گفت‌وگو به بحث مدیریتی هم در بعد داخلی و هم بعد خارجی اشاره کردید، یعنی تغییر مدیران متخصصی که گرایش حزبی نداشته‌اند و یا استفاده از سفرایی که تجربه دیپلماتیک ندارند. برخی از نظر جامعه‌شناسی معتقدند که حرکت دولت ایران شبیه به رفتاری است که فردای پس از پیروزی انقلاب با خونریزی انجام شد ولی این بار بدون خونریزی، یعنی در آن زمان هم تمام ذخیره مدیریتی کشور کنار گذاشته شد و نسل جدیدی سکان هدایت کشور را به دست گرفت، پس از ۲۶ سال بدون اینکه خونریزی انجام شود تمام تجربیات مدیریتی کشور کنار گذاشته شد و تلاش شد که از چهره‌های جدید استفاده شود. سؤال من این است که تا چه حد این تجلیل جامعه شناختی را قبول دارید؟ و اگر قبول دارید یک سؤال عمیق‌تر دارم، حالا که سال‌ها از آن روزها گذشته، شما به عنوان دومین وزیر کشور بعد از انقلاب که شرایط انقلابی و انتقالی را مدیریت**

کردید، آیا می‌پذیرید که آن حرکت هم در نوع خودش قائل نقد بود؟ اینکه حجم بزرگی از نیرو و توان کارشناسی کشور کنار گذاشته شد حرکت درستی بود؟

من از آغاز انقلاب در جزء به جزء کوران‌های انقلاب بوده‌ام و یادآوری خاطرات و حوادث آن روزگار برای نسل جوان بسیار مهم است. در آن زمان همه مدیران رژیم سابق کنار گذاشته نشدند، هرگز این چنین نبود که مدیران کار کرده و باتجربه رژیم گذشته کنار گذاشته شده باشند. بهترین نمونه آن اعضای دولت موقت بودند. اکثر اعضای دولت موقت ۲۰ سال به بالا سابقه کار اجرایی و مدیریتی در رژیم گذشته داشتند.

** اما در رده‌های میانی بودند؟*

عرض می‌کنم. وقتی پرونده آنها را در رژیم گذشته می‌دیدیم از نظر مدیریتی در سطح بسیار بالا و بدون یک نقطه ضعف بودند. این افراد تا حدی سکان انقلاب را در مدیریت به دست گرفتند. در سطوح دیگر هم جو آن روز سعی بر این داشت که نگذارد از مدیران باسابقه استفاده کنیم.

البته از مدیرانی که با رژیم شاهنشاهی وابستگی داشتند استفاده نشد ولی از کارشناسان استفاده شد. از کارشناسان سازمان برنامه که تجربه و مطالعات زیادی داشتند هم آقای مهندس سبحانی و هم آقای مهندس معین‌فر استفاده کردند. یا آقای مهندس طاهری که وزیر راه بود، از مدیران خوب استفاده می‌کرد. اتفاقاً مشکل دولت موقت با نسلی که آن روز خودش را نسل انقلابی می‌دانست همین بود، آنها می‌گفتند همه مدیران رژیم سابق باید کنار گذاشته شوند. من برای شما مثال می‌زنم، خدا شهید تیمسار فلاحی را رحمت کند. فرآیند انتخاب فلاحی یک بحث جدا است. ولی فردای روزی که انتخاب شد (فلاحی تنها تیمساری بود که درجه تیمساری‌اش را در زمان شاه گرفته بود) در روزنامه‌های مختلف فریادها بلند شد که "ای مردم به هوش باشید که دوباره افسران شاهنشاهی را بر مصادره به کار گرفته‌اند، مردم آگاه باشید که دوباره می‌خواهند ارتش طاغوت را احیا و بر ما حاکم کنند" خاطر من هست فلاحی که به اتاق مهندس بازرگان آمده بود و می‌گفت این‌کار را نکنید. من حاضرم در حاشیه خدمت کنم ولی جو حضور من را نمی‌پذیرد. با همه اینها ما ایستگاهی کردیم. چون این فرد همه مسیر را طی کرده بود به این ترتیب که دولت موقت وزیر را انتخاب می‌کرد و شورای انقلاب باید آن فرد را تصویب می‌کرد، شورای انقلاب ایشان را تصویب کرد و بعد مهندس بازرگان حکم داد. نمونه‌های این‌چنینی زیاد داشتیم، مثلاً مرحوم دکتر سامی که وزیر بهداشت و درمان بود، از تعداد زیادی از افراد باتجربه آن زمان استفاده کرد، آقای دکتر کاظم یزدی که یک کارمند باسابقه وزارت بهداشت بود را به‌عنوان معاونش انتخاب کرد. در وزارتخانه‌های تخصصی مثل وزارت راه و وزارت بهداشت سعی شد از مدیران تخصصی گذشته که پرونده سالمی داشتند استفاده شود و آن قیاس با این قیاس درست نیست. در این زمان بحران مدیریتی که ما داریم به این شکل است که می‌گویند به صرف اینکه یک مدیر در دو دوره گذشته یعنی در دو تا ۸ سال گذشته مدیر بوده نباید الان کار کند. ولی این مدیر را بررسی نمی‌کنند که اگر به مملکت خدمت کرده و وابستگی گروهی ندارد از او استفاده کنند، کشور برای این فرد سرمایه خرج کرده تا به یک توان تجربی و علمی رسیده و کنار گذاشتن این شخص کار ساده‌ای نیست. شاهد‌های زیادی داریم و همه از آن اطلاع دارند. مثلاً در وزارت آموزش و پرورش همه مدیرانی که در گذشته کار می‌کردند، کنار گذاشته شدند. ما این کار را صحیح نمی‌دانیم چون این برخورد بحران مدیریتی ایجاد کرده است و این قیاس با آن قیاس به‌هیچ‌عنوان درست نیست و همان‌طور که گفتم دکتر مصدق زمانی نفت را ملی کرد که تست انجام داد و آن هم شوخی نبود. هنوز احزاب و گروه‌ها شکل نگرفته بودند. فقط حزب ایران و حزب زحمتکشان و چند حزب دیگر بودند که پایگاه

مردمی نداشتند. ولی مرحوم دکتر مصدق وقتی تست کرد و دید مردم پشتیبانش هستند نفت را ملی کرد و بهترین تست، حادثه ۳۰ تیر است. مرحوم مصدق ۲۹ ماه بیشتر حکومت نکرد ولی بعد از این آنقدر در مقابل دربار آن روز ایستادگی کرد که وقتی دربار تصمیم گرفت ایشان را عوض کند، ملت اجازه نداد و با شهادتی که آن روز داد مانع این کار شد. بنابراین مسأله انرژی اتمی با موضوع ملی شدن صنعت نفت نمی‌خواهم بگویم قیاس مع‌الفارغ است، شباهت‌های بسیار کمی؛ هم دارد ولی قابل قیاس نیستند.

*** بحران‌های اقتصادی که در آغاز بحث به آن اشاره کردید، تا چه حدی می‌تواند نگران‌کننده باشد؟ گاهی یک کشور به دلیل انتقال فازی که از یک سیستم اقتصادی به سیستمی دیگر می‌کند دچار بحران می‌شود یا مثلاً در روسیه امروز به دلیل اقداماتی که دولت پوتین در جهت رشد و پیشرفت روسیه انجام داده، مسکو از گرانترین شهرهای دنیاست. از نظر قیمت مسکن، مسکو از شهری مثل لندن ۱۰ برابر گرانتر شده است. بعضی از کارشناسان اقتصادی بالا رفتن قیمت‌ها در مسکو را نتیجه اقدام برای پیشرفت و توسعه اقتصادی می‌دانند. جوامع زیادی را می‌توان مثال زد مثل برزیل و مکزیک، که وقتی خیز اقتصادی برمی‌دارند با چالش‌ها و بحران‌هایی روبه‌رو می‌شوند. امروز بحران اقتصادی ایران از چه جنسی است؟ آیا از جنس توسعه است؟ شاید از اینجا ناشی می‌شود که دولت آقای احمدی‌نژاد کاری را که دیگران در ۲۰ سال گذشته نتوانسته‌اند انجام دهند را در ۲ سال به انجام رسانده است. در دو سال گذشته بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار پول به دست این دولت رسیده و این دولت خوش‌شانس‌ترین دولت بعد از انقلاب بوده است. قیمت نفت در این دوران با هیچ دوره‌ای قابل مقایسه نیست. یادمان باشد زمانی که خاتمی و اصلاح‌طلبان به قدرت رسیدند قیمت نفت چیزی حدود ۸-۶ دلار بود ولی حالا از نرم ۵۸ دلار پایین‌تر نمی‌آید. آیا در ایران شکوفایی اقتصادی صورت می‌گیرد که در امر اقتصاد تأثیرات بحرانی گذاشته، یا اینکه ما با یک پدیده نگران‌کننده اقتصادی ناشی از ناتوانی مدیریتی، ناتوانی نظام برنامه‌ریزی و فقدان فکر اقتصادی مواجه هستیم؟**

می‌دانید که دنیای امروز، دنیای برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی و تنظیم برنامه حرف اول را می‌زند. از کلمات حضرت علی (ع) در وصیتنامه‌شان است که می‌فرمایند: " اوصیکم به تقوی... و نظم امرکم " نظم امری که در ۱۴۰۰ سال گذشته گفته شده، همین برنامه‌ریزی است. امروز در نماز جمعه " اوصیکم به تقوی... " گفته می‌شود ولی " نظم امرکم " به کلی فراموش شده و گفته نمی‌شود. نظم امرکم یعنی اینکه در کارهایتان نظم و برنامه‌ریزی داشته باشید. پس برنامه‌ریزی نقش اساسی دارد. دوم، اگر کشورهای پیشرفته اقتصادی دنیا را بررسی کنیم می‌بینیم که زیربنای اقتصادی هر جامعه تولید و صنعت آن جامعه است. الان که کشور چین تا این حد به شکوفایی اقتصادی رسیده و کشورهای مثل آمریکا را به لرزه درآورده، به دلیل تولید این کشور است. کشور آلمان بعد از جنگ جهانی دوم وقتی که با خاک یکسان شد همه چیز را از دست داد، با برنامه‌ریزی به سراغ تولید رفت و با تولید توانست آن جنگ‌خیزان سوز را جبران کند و به تدریج پیشرفت کند. آن زمان می‌گفتند ۸۰ درصد تولید فولکس واگن تا سالیان دراز متعلق به آمریکا بود که بابت خسارت جنگی از آلمان می‌گرفتند. حالا ببینید تولید در داخل کشور ما به چه ترتیب است؟

طرف دوم: ... یکی کمیت، یکی کیفیت، چقدر روی کیفیت کوشش و تلاش شده است؟ تولید خودرو که بزرگترین سرمایه‌گذاری کشور است، چقدر از نظر کیفیت پیش می‌رفت؟ روزی که پیکان تولید می‌شد می‌گفتند قیمت تولید ۵۸ از قیمت تولید ۶۴ بیشتر بود چون کیفیت پیکان سال ۵۸ بهتر بود، در حالی که انتظار می‌رفت کیفیت بالا برود. مسأله

بعدی هم برای اینکه قیمت اولیه پایین بیاید باید تولید را زیاد کرد و تولید انبوه داشت. ما در تولید مواد خوراکی و غیرضروری مثل پفک و چیپس و بستنی پیش می‌رویم. کسی به من می‌گفت ماشینی که برای تولید یکی از کارخانه‌های بستنی خریداری شده حدود یک میلیون و صدیورو بوده است. درحالی‌که بستنی که پیچیده نیست ولی صنایع دیگر ما چه وضعیتی دارد؟ یک روز صادرات ما در صنعت کاشی و سرامیک خیلی بالا بود و در خیلی جاها حرف اول را می‌زد، هنوز هم البته به نسبت جزو صنایع خوب است، اما نتوانستیم رقابت کنیم. به دو علت، اول اینکه کیفیت پایین بوه است. وقتی از چین سرامیک را با قیمت پایین‌تر و کیفیت بهتر می‌آورند، مصرف‌کننده سرامیک چینی می‌خرد. یا صنعت پوشاک و نساجی که از قدیمی‌ترین صنایع ماست، چرا باید به این ترتیب دربیاید. یا صنعت کشاورزی و غیره. پس منحنی تولید که مبنای اقتصاد ماست، روبه پایین و ضعیف است. وقتی تولید پایین باشد، اقتصاد شکوفایی نخواهیم داشت. ما مصرف‌کنندگان خوبی هستیم. سرانه مصرف بسیار بالا رفته است. این بد نیست، اگر مصرف سرانه بالا برود، خوب است چون نشانه شکوفایی کشور است، هموطنان ما گوشت بیشتری را نسبت به ۵-۴ سال قبل مصرف می‌کنند ولی اگر قرار باشد این گوشت وارداتی باشد و نفت را که سرمایه نسل‌های بعد است را بفروشیم و گوشت وارد کنیم، اصلاً درست نیست.

*** فکر نمی‌کنید با نگرانی که شما از وضعیت اقتصادی دارید، انحلال سازمانی مثل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با ابهام همراه است؟**

خیلی کار اشتباهی بود. نهضت آزادی یک نشریه داد که ادغام این سازمان کار درستی نیست.

*** آیا آن نشریه سیاسی نبود؟**

نخیر، کار کارشناسی دقیق کردیم. نقش برنامه‌ریزی را در مملکت از جوانب و ابعاد مختلف نشان دادیم. حتی برای این‌کار از کارشناسان خارج از نهضت که علاقه‌مند به نهضت بودند هم استفاده کردیم. ما در این مورد تعصبی نداریم و وقتی می‌خواهیم بحث اقتصادی کنیم علاوه بر دوستان داخل نهضت از کسانی که خارج از نهضت هستند و مطالعات اقتصادی خوبی دارند و راه حل ایشان به نفع منافع ملی است استفاده می‌کنیم. از جمله این موارد، نشریه سازمان برنامه‌بود در زمانی‌که بحث تقسیم‌بندی آن در استان‌ها مطرح شد. این حرف، حرف تازه‌ای نبود و اوایل انقلاب هم این حرف مطرح شد. خیلی ساده می‌گفتیم چرا پول را در دست‌انداز می‌اندازید، پول را باید خرج کرد. یکی از مسئولان مملکت می‌گفت پول باید در کیسه‌ها باشد، هر زمان که لازم شد از این کیسه‌ها پول را بیرون بیاوریم و خرج کنیم و درحالی‌که آقای مهندس معین‌فر ایستادگی می‌کرد و می‌گفت این یک کار علمی است و صحیح نیست که آنچه در دنیا ثابت شده و در کشور خودمان هم تجربه شده کنار بگذاریم.

*** در تقسیم‌بندی بحران، به بحران بنزین اشاره کردید. چرا علاوه بر اینکه از بحران اقتصادی و بحران مدیریت صحبت کردید، بحران بنزین را جداگانه در نظر گرفتید؟**

من اعتقاد دارم که حتماً باید فکری برای مسأله بنزین می‌شد. چون بنزین مشکلات عدیده‌ای اعم از ترافیک و آلودگی هوا ایجاد کرده بود. باید با مسائل صادقانه برخورد کنیم. در اینجا من می‌گویم که خود طرح را نمی‌توان رد کرد ولی باید روی هر طرحی کارشناسی شود. اگر روی هر طرحی که در سطح کلان اجرا می‌شود کار کارشناسی انجام شود آثار مثبت‌تری خواهد داشت. مثال می‌زنم، در زمان دولت موقت آقای مهندس توسلی که شهردار تهران بود یک کارشناسی دقیق در مورد ترافیک انجام داد، قبلاً هم زمینه‌های اجتماعی آن بررسی شد.

حتماً به خاطر دارید که آیت... طالقانی در نماز جمعه بحث کرد، آقای توسلی و معاونانش در این مورد بحث کردند چون این کار یک کار جدیدی بود، به عده‌ای که ماشین‌شان را هرجا می‌خواستند می‌بردند. باید می‌گفتند که از فردا از این محدوده در این ساعت‌های به‌خصوص نباید عبور کنید. معما چو حل گشت آسان شود. از نظر محدوده ترافیکی آنقدر دقیق کارشناسی شده بود که هنوز هم بعد از ۲۸ سال اجرا می‌شود و هنوز هم نمی‌توانند محدوده را تغییر بدهند که از خیابان مطهری به خیابان بهشتی برویم یا نه. با اینکه آن طرح مربوط به ۲۸ سال قبل با تعداد اتومبیل و سواری و جمعیت ۲۸ سال قبل بود، هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبیعی است که در مورد بنزین هم باید جوانب مختلف در نظر گرفته می‌شد و از کارشناسان مختلف استفاده می‌شد. من مدتی قبل با "صدای آشنا" مصاحبه کردم، پیشنهادم این بود که در زمینه انرژی هسته‌ای عده‌ای کارشناسان خارج از حلقه شما هم وجود دارند، از آنها دعوت کنید نظرشان را بپرسید، اگر علاقه‌مند بودید به نظر آنها عمل کنید، اگر علاقه‌مند نبودید عمل نکنید ولی نظریه کارشناسی گرفتن به جایی لطمه‌ای نمی‌زند. الان هم ابعاد مختلف مسأله بنزین در نظر گرفته نشده است به همین دلیل به طور مقطعی مسائلی را مطرح می‌کنند. همین چند روز گذشته تیترو روزنامه‌ها بود که بنزین مسافر به مردم داده می‌شود. با چه مکانیزمی این وضعیت کنترل خواهد شد؟ وقتی که از نظر بنزین محدوده مشخص می‌شود باید وسایل بعدی آن هم تأمین شود. الان علی‌رغم اینکه پلیس مقاومت می‌کند، شنیده‌ایم که راننده‌های تاکسی بنزین‌شان را می‌فروشند، تاکسی‌شان را به کار نمی‌اندازند و استهلاک هم ندارند و روزی ۳۰ هزار تومان، ماهیانه حدود یک میلیون تومان به همین ترتیب به دست می‌آورند. الان صنعت توریسم داخلی منهدم شده است. توریسم داخلی گردش داخلی داشت. شمال و مناطق زیارتی و اردبیل و کرمانشاه قطب‌های گردشگری در تعطیلات بودند. سیستم هتلداری متوقف شده است و از این نظر تا حد زیادی بیکاری به‌وجود می‌آید. درحالی‌که اگر روی اینها مطالعه شده بود و کار کارشناسی روی آن انجام شده بود تبعات آن به حداقل می‌رسید. به همین دلیل بنزین تبدیل به بحران شده است. یک مسأله‌ای از اصل و اساس درست است و باید اتفاق بیفتد، به آنها گفته می‌شود هرچه کار کارشناسی دقیق‌تر باشد نقاط ضعف اجرا کمتر می‌شود، چرا چنین چیزی را نمی‌پذیرند؟ به همین ترتیب بنزین مشکلات ایجاد می‌کند. بنزین در ایام تعطیلات یکسری مشکلات ایجاد می‌کند، در اول مهر که زمان بازشدن مدارس و دانشگاه‌هاست مشکلات دیگری ایجاد می‌کند. همانطور که می‌دانید تعداد زیادی از سرویس‌های مدارس سوخت بنزینی دارند. جنبه‌های دیگر هم دارد خیلی‌ها از طریق مسافرکشی متفرقه زندگی‌شان را تأمین می‌کردند. دیشب در تریبون آزاد ساعت ۸/۳۰ با یک خانمی مصاحبه کردند، این خانم می‌گفت من برای پسرم ماشین خریده‌ام که پسرم با آن کار کند و اقساط ماهیانه ۵۰۰ هزار تومانی ماشین را بپردازد ولی از وقتی بنزین روزی ۳ لیتر اعلام شده، دیگر نمی‌تواند کار کند. الان زندگی آنها دچار مشکل شده، اقساط آن را نمی‌توانند پرداخت کنند و چه بسا این ماشین بعد از چند قسطی که پرداخت شده به نفع وام دهنده ضبط شود.

*** آقای صباغیان، به مسائل بیرونی برگردیم، چقدر حل منازعه ایران و آمریکا را در کاهش فشارهای داخلی، پرونده هسته‌ای ایران، باز شدن فضاها برای انجام کارهای اقتصادی و سیاسی مؤثر است. نظر نهضت آزادی درباره مزاحمتی که در امر قطع روابط ایران و آمریکا ایجاد شده و هزینه‌هایی که به ما تحمیل شده چیست؟**

ما نظرم را در مصاحبه‌های مختلفی اعلام کردیم ما در مذاکره با هر کسی هیچ اشکالی نمی‌بینیم. سنت رسول خدا باید برای ما الگو باشد. مگر رسول خدا با کفار مذاکره نمی‌کرد؟ مهم آن است که در این مذاکره چه کسی و راجع به چه چیز مذاکره کند و چه بدهد و چه بگیرد. در مذاکره با آمریکا هیچ اشکالی وجود ندارد.

*** آیا عراق می‌تواند مبنای مطلوبی باشد؟**

راه‌های دیپلماسی چشمه‌های مختلف دارد. ضرورتی ندارد که مردم همه چشمه‌ها را بدانند. مردم به دنبال نتیجه هستند اینکه مذاکره انجام شد و کجا انجام شد شاید خیلی مهم نباشد ولی اینکه در این مذاکره منافع ملی ما فروخته نشده باشد اهمیت دارد. اگر مذاکره‌ای انجام شود و بعد از مدتی معلوم شود که منافع ملی بر اثر این مذاکره از بین رفته، این مذاکره غیرمنطقی، غیرمشروع و غیرملی است و اگر جلوتر برود خیانت‌آمیز می‌شود. ولی اگر مذاکره‌ای انجام شود و منافع ملی را تأمین کند هیچ مشکلی ندارد، مثلاً شنیده‌ایم که چند شرکت به دلیل نبود قطعات فعالیت‌شان متوقف شده‌اند. اگر قرار باشد که ما قطعه را از چند واسطه، گرانتر و نامرغوب‌تر بخریم، آیا عقل حکم می‌کند که به طور مستقیم خریداری کنیم و منافع ملی‌مان را از این طریق تأمین کنیم؟ چرا باید هزینه بیشتری بپردازیم. مسیر منافع‌مان هم مطرح است. مسأله انرژی اتمی اگر طرف مقابل که آمریکا است موفق شود به همه کشورها فشار بیاورد و آنها را با خودش برعلیه ما موافق و متحد کند و ما گرفتار مسائل بحرانی و جنگ شویم به نفع منافع ملی ما نخواهد بود. اگر محل مذاکره عراق است، از آن طریق اقدام شود. اگر از طریق آقای خزایی که نماینده جدید ایران در سازمان ملل است انجام می‌شود، آن را پیگیری کنند. مهم این است که سه محور در نظر گرفته شود: ۱- مذاکره کننده ۲- چه مذاکره‌ای انجام شده ۳- چه چیزهایی ردوبدل شده است. نتیجه اینها به اطلاع مردم برسد، ملت که ذی‌نفع است باید از نتیجه مطلع باشد.

*** سال جاری سال انتخابات مجلس شورای اسلامی است، به نظر می‌رسد این انتخابات برای فعالین سیاسی**

بسیار مهم و کلیدی است. برنامه حزبی شما برای انتخابات مجلس شورای اسلامی چیست؟

برنامه نهضت آزادی همیشه این بوده - از آنجا که مبارزه را مبارزه پارلمانی می‌داند - در انتخابات شرکت کند. انتخابات را یک بستری می‌داند که با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی که برایش قائل شده‌اند، حرفش را به مردم بزند و در مقاطع و مصاحبه‌های مختلف حرف و نظرش را اعلام کند. بنابراین ما معتقدیم باید در انتخابات شرکت کرد، اما چه انتخاباتی؟ باید سعی شود که انتخابات آزاد و سالم باشد. آخرین انتخابات نشان داد که انتخابات ریاست‌جمهوری انتخابات سالمی نبود. این را هم می‌گفتیم، هم اصلاح‌طلبان گفتند و هم مقامات بالایی که روابط نزدیکی با رهبری و حاکمیت داشتند گفتند و همه از ناسالم بودن انتخابات شکایت داشتند. آقای کروبی گفتند من مطلع بودم که جزو نفرات بالا هستم وقتی از خستگی خوابم برد بیدار شدم متوجه شدم نتیجه انتخابات عوض شده است. تقاضای شمارش‌های مختلف و رسیدگی‌ها به جایی نرسید. بنابراین اگر انتخابات با این روال پیش برود سرنوشت قانون‌گرایی و آزادی در آینده کشور ما بدتر خواهد شد. جمهوری اسلامی به سوی حکومت اسلامی خواهد رفت. خیلی‌ها ممکن است معتقد باشند که جمهوریت معنایی ندارد، باید سراغ حکومت بروند و حکم حاکم اجرا شود. ولی ما نه به این موضوع اعتقاد داریم، نه انقلاب به این علت برپا شد، شعار اصلی انقلاب، جمهوری اسلامی بوده و همه باید برای آن تلاش کنند. نهضت آزادی بر این اعتقاد است اما توصیه ما این است که همه اصلاح‌طلبان جبهه مشترکی از جهت تأمین آزادی انتخابات سالم تشکیل دهند. وقتی این جبهه مشترک پیش برود

باید کاری کرد که شورای نگهبان جرأت پیدا نکند که مثل مجلس هفتم آن طور رد صلاحیت بکند و بداند که اگر آنطور رفتار کند مجبور خواهد بود که هزینه بالایی بپردازد.

در آن صورت شورای نگهبان ناچار می شود روش های خودش را تغییر دهد. برای رسیدن به این هدف باید مردم را به صحنه کشاند. مردم می گویند اصلاح طلبان که دو قوه مقننه و مجریه را داشتند چه کردند و چه گلی به سرملت زدند؟ البته من اعتقاد دارم که آقای خاتمی در دولت خودشان خدمات زیادی انجام دادند، خب ما انتقاداتی هم داریم ولی باید خدمات را ارج نهاد. در انتخابات رأی هر نفر مطرح است. اگر تکیه ما فقط روشنفکران باشد اتفاقی که در ریاست جمهوری نهم افتاد، می افتد. در آن دوره توجه روی توده عادی مردم کم بود و فقط شعار آقای کروبی مردم را جذب کرد. ولی ما به طور کلی باید مردم را جذب کنیم. نباید کاری کنیم که مردم با صندوق ها قهر کنند آنها باید بدانند که می توانند حرف شان را پای صندوق ها بزنند و باید از دو چیز اطمینان حاصل کنند، یکی اینکه بدانند رأی شان خوانده می شود، یعنی انتخابات سالم و دیگری انتخابات آزاد. برای انتخابات آزاد جبهه مشارکت، مجاهدین انقلاب اسلامی، نهضت آزادی و اعتماد ملی و بقیه احزاب نمی توانند به تنهایی کار کنند پیشنهاد ما این است که یک جبهه مشترکی حول محور مشترک برگزاری انتخابات سالم و آزاد تشکیل شود.

*** آیا تا به حال قدم عملی در این راه برداشته شده است؟**

باید برداشته شود. با سهم خودمان رایزنی می کنیم و پیشنهادمان را به گروه های مختلف ارائه می دهیم. زمان زیادی نداریم تا دی ماه که نام نویسی انجام می شود باید این کار را انجام داد و همه احزاب و گروه ها باید از امکاناتشان استفاده کنند. روزنامه اعتماد ملی که سعی دارد نظرات و افکار حزب اعتماد ملی را بدون سانسور بیان کند و خودش روزنامه نسبتاً مستقلی است باید به این راه بیاید. وقتی همه این گروه ها و احزاب وارد این کار شوند مردم تشویق می شوند. شورای نگهبان کارنامه مجلس پنجم و ششم را هم داشته و حالا مجلس هفتم را درست کرده است. درست است که بعضی ها معتقدند که ما با همان روش پیش می رویم و اشتباهات گذشته را تکرار نمی کنیم اما کارهای گذشته اشتباه نبوده اند، بلکه روشی که شورای نگهبان در مجلس هفتم پیاده کرد و آن رد صلاحیت ها اشتباه بودند و نقطه سیاهی در عملکرد شورای نگهبان است. شورای نگهبان یک نهاد قانونی ... مملکت است و باید سعی کند نقاط سفید در کارنامه اش ایجاد کند نه اینکه به نقاط سیاهش اضافه کند.

*** دورنمای اتحاد بین نهضت آزادی ایران و اصلاح طلبان شبیه برخی از حوزه هایی که در مجلس ششم صورت گرفت وجود دارد؟**

وقتی ما می گوئیم چنین جبهه ای تشکیل دهیم مطلقاً به خاطر خود نهضت آزادی نمی گوئیم. اگر تمام کاندیداهای نهضت آزادی را مثل گذشته رد کنند - البته در بعضی دوره ها پذیرفتند - مهم نیست. مهم این است که انتخابات سالم و آزادی که در جهت منافع ملی باشد، برگزار شود.

بنابراین زمانی که این جبهه تشکیل شود، نهضت آزادی در حاشیه کمک خواهد کرد، نهضت آزادی این جبهه را تقویت می کند، با آن تقابلی نخواهد داشت بلکه تعامل خواهد داشت. چون این تعامل را به نفع منافع ملی می دانیم. خبرنگاران خارجی همیشه می گویند معیار آزادی در ایران میزان آزادی نهضت آزادی است. شاید این معیار و محک اشتباه هم نباشد. تعریف از خود نباشد ولی حدود ۴۵ سال است که یک حزب ملی اسلامی تمام زیر و بم های این جامعه و قبل و بعد از انقلاب را دیده و در بطن آن بوده است. این نهضت همیشه در وطن بوده، به خارج از

وطن اعتقاد نداشته، ایستاده و مقاومت کرده و هزینه‌های سنگینی را در این راه پرداخته است و باز هم معتقد است که باید ایستادگی کرد چون اهدافش را اهداف بزرگی می‌داند.

*** رابطه نهضت آزادی با حزب اعتماد ملی چگونه است؟ آیا گفت‌وگو و تعاملی بین این دو وجود داشته است؟**

کمابیش ما نشست‌هایی با آقای کروبی داشته‌ایم و تبادل افکار کرده‌ایم ولی اعتقاد داریم که این تعامل باید بیشتر باشد. مثلاً نمایندگان دفتر سیاسی حزب اعتماد ملی و نهضت آزادی تعامل کنند. هم ما از نظرات آنها استفاده کنیم و هم آنها از نظرات ما استفاده کنند. نهضت آزادی از ابتدای تأسیس همیشه سعی داشته که با همه گروه‌ها تعامل داشته باشد. ما ۲ نشریه به نام وفاق ملی داشتیم و در آن عنوان کردیم که تصمیم داریم حول محورهای مشترک، کار مشترک کنیم یا اگر به کار مشترک نرسیدیم، سعی کنیم حول محور مشترک کارهایمان هم تضادی نداشته باشند، اگر یک روز اطلاعیه‌ای بدهیم و همه احزاب ملی پای آن را امضاء کنند، وضعیت ایده‌آلی است و همه تیری در چشم دشمنان کشور چه داخلی و چه خارجی خواهد بود. اگر نتوانستیم و به چنین موفقیتی نرسیدیم باید محورهای اصلی اطلاعیه‌ای که در یک مورد به خصوص مثل انتخابات می‌دهیم با اطلاعیه جبهه مشارکت، اعتماد ملی، حزب اسلامی کار و کارگزاران یکی باشد.

*** ... شما سال‌هاست که حاشیه‌نشین هستید، آقای کروبی هم مدتی است که حاشیه‌نشینی به اجبار یا اختیار را تجربه می‌کنند. از این فضای مشترک چه حسی دارید؟**

من با آقای کروبی از قبل از انقلاب رابطه داشتم، عده‌ای از روحانیون با ما که ملی - مذهبی‌ها بودیم ارتباط داشتند ایشان بیشتر در منطقه شمیرانات بودند. بعد از انقلاب هم روابط نزدیکتر شد. علاوه بر اینکه من نسبت به خانواده آقای کروبی هم آشنایی و ارادت دارم. خصوصاً حاج خانم که کارنامه مشعشعی در پیروزی انقلاب و در مدیریتی که در اوایل انقلاب به کار بردند داشتند و اینها چیزهای با ارزشی است که به آسانی به دست نیامده و راحت هم از دست نمی‌رود. شخص آقای کروبی، انسان سلامت و خوش‌نیتی هستند و وقتی انسان پای صحبت ایشان می‌نشیند متوجه می‌شود که حرف دلشان را می‌زنند.

*** یعنی آقای کروبی فعلی به آقای کروبی‌ای که شما می‌شناختید شبیه است؟**

تقریباً. خیلی افراد را دیده‌ام که جاه و مقام تغییرات زیادی در آنها ایجاد کرد. نمی‌خواهم بگویم در آقای کروبی تغییری ایجاد نشد ولی اصالت اولیه خودشان را حفظ کردند به همین دلیل من احترام خاصی برای ایشان قائلم (نه به این خاطر که ایشان را می‌شناسم یا به روزنامه اعتماد ملی دعوت شده‌ام. دعوت به اعتماد ملی لطف دوستان روزنامه بوده است) ولی آقای کروبی به دلیل خلوص‌شان که بعضی‌ها در گذشته از این خلوص سوءاستفاده کردند، قابل احترام هستند. در مدیریت مجلس هم دورادور با ایشان در تماس بودیم. همانطور که گفته می‌شود دیکته نانوشته غلط ندارد. هرکسی که کار اجرایی می‌کند، دچار مشکل می‌شود. ایشان هم زمانی که در سه دوره رئیس مجلس بودند ممکن بود نقاط ضعفی داشته باشند ولی مجموعه نقاط قوت ایشان خصوصاً در مجلس ششم بیشتر بود. علی‌الخصوص زمانی که ما گرفتار و در زندان بودیم پشتیبانی و حمایت مجموعه مجلس ششم برای ما بسیار ارزشمند بود.

*** آیا این فضای مثبتی که از سوی آقای کروبی هم وجود دارد می‌تواند مبنایی باشد برای اینکه دو حزب اتحاد جدیدی را برپایه روابط قدیمی برقرار کنند؟**

قطعاً می‌توانند. خوشبختانه افرادی که در حزب آقای کروبی هستند کسانی‌اند که تجربه نو دارند. یعنی سیاسی قدیمی نیستند. مثلاً بعضی از فعالین مجاهدین انقلاب اسلامی ممکن است از قبل از انقلاب بوده باشند ممکن است نقارهایی وجود داشته باشد و راحت برطرف نشود. هر چندکه ما با آنها هم تعامل خوبی داریم. ولی از نظر کلی مسؤلان رده بالا که ما می‌شناسیم پرونده سیاسی صاف و خوبی دارند به همین دلیل تعامل با این افراد راحت‌تر است، چون در بایگانی‌های قبلی چیزی ندارند که از آنها استفاده شود. اگر روزنامه هم در این راه پیشقدم شود، کلیت اینکه باید با احزاب در تعامل باشیم مورد تأیید احزاب است حالا اگر این تعامل جلو برود و آشکارتر باشد بهتر خواهد بود. اما برخورد با نهضت، هزینه‌بردار است به همین دلیل همه گروه‌ها آمادگی آن را ندارند اگر مبنای آن مبنای صاف و روشن و مشخصی باشد به نظر من برای آینده منافع ملی ما مفید است.

*** سؤال دیگر من درباره وضعیت ملی - مذهبی‌هاست. آیا نهضت آزادی رابطه ارگانیک یا غیرارگانیک با ملی - مذهبی‌ها که بیشتر به صورت شخصیت‌های فعال سیاسی ظاهر می‌شوند، دارد؟**

ملی - مذهبی یک نام عام است و نهضت آزادی هم یک حزب ملی - مذهبی محسوب می‌شود. یک شورای فعالان ملی - مذهبی وجود دارد که آقای مهندس عزت‌ا... سحابی مسؤلیت آن را به عهده دارند و بعضی احزاب مثل هم در آنجا هستند. ما با آنها رابطه خوب داریم و در بعضی موارد امضاها را مشترک می‌دهیم. خصوصاً در مقاطعی مثل انتخابات سعی می‌کنیم این تعامل نزدیک‌تر شود. ما با سایر احزاب ملی هم رابطه حسنه داریم مثل ملت ایران و جبهه ملی. نظراتمان را به آنها می‌گوییم. گاهی اوقات نظراتمان با هم تطبیق پیدا نمی‌کند و منجر به کار مشترک نمی‌شود ولی در مواردی که نظرات تطابق دارند کار مشترک انجام می‌دهیم.

*** در انتخابات شوراها، نهضت آزادی ابتدا قصد ورود داشت ولی بعداً تصمیم گرفت که بیانیه صادر کند، ملی - مذهبی‌ها اول قصد نداشتند فهرست بدهند ولی بعداً به اسم آقای سحابی اسم‌هایی داده شد. برای علاقه‌مندان به این جریان‌ها این نگرانی وجود دارد که مبادا در انتخابات مجلس شاهد اینگونه حرکت غیرمنسجم باشیم.**

طبیعی است که انتخابات شورای شهر از بعضی جهت به اهمیت انتخابات مجلس نیست. بنابراین وقتی اهمیت بالاتر باشد توجه هم بیشتر می‌شود. در مورد فهرست آقای سحابی لازم است از خودشان سؤال شود. ولی برنامه ما از ابتدا این بود که اگر جبهه اصلاح‌طلبان فهرست مشترک بدهند، آن فهرست مورد حمایت ما خواهد بود. انتخابات مجلس به آن شفافیت نیست چون همانطور که می‌دانید شورای نگهبان در انتخابات شورای شهر نقشی ندارد. در اینجا باید جامعه را به سویی برد که شورای نگهبان به خودش اجازه ندهد اقداماتی نظیر اقدامات مجلس هفتم بکند.

*** ارزیابی شما از سخنان مقام رهبری در ملاقات با ناظران شورای نگهبان چه بود؟**

نشست خوبی بود. البته هنوز در نهضت مورد بررسی قرار نگرفته است. اما نظر شخصی من این است که چند نکته خیلی مهم در سخنرانی وجود داشت مثل اینکه سعی شود قانون‌گرایی باشد، گروه‌گرایی و جناح‌گرایی و مصلحت‌طلبی نباشد. اگر شورای نگهبان به همین‌ها عمل کند نتیجه مطلوب خواهد بود. ولی اگر قرار باشد قانون را

قانونی در نظر بگیرد که خودش تنظیم کرده است، فرق می‌کند. قانون انتخابات می‌گوید وقتی می‌خواهید از کسی تحقیق کنید از ۴ مرجع تحقیق کنید. نظامی که ایجاد کرده‌اند، سازماندهی کرده‌اند، پرسنل گذاشته‌اند و خانواده افراد را مورد بررسی قرار می‌دهند اقدام قانونی نیست.

*** سؤال پایانی، اگر حاکمیت و حکومت به هر دلیلی تصمیم بگیرد که از نهضت آزادی در ساخت دولت استفاده کند، پاسخ نهضت چه خواهد بود؟**

به نظر من طبعاً این وضعیت هرگز پیش نخواهد آمد.

*** مگر در زمان پهلوی پیش نیامد؟**

نه از نهضت آزادی نبود، از جبهه ملی بود. اما فرض محال، محال نیست. در هر صورت ما همکاری در آن مجموعه را مفید نمی‌دانیم. ما طبق توصیه خودمان پیش می‌رویم، یعنی از ما مشورت بخواهند و طبق آن عمل کنند. این مفیدتر است پاسخ ما این خواهد بود. ما این توان را داریم که در جهات مختلف مورد مشورت قرار بگیریم.

*** پس اگر شورای نگهبان هیچکدام از شما را تأیید صلاحیت نکرد، گلایه‌ای نخواهید داشت؟**

چرا گلایه ما این خواهد بود که یک نقطه سیاه به نقاط سیاه شورای نگهبان اضافه شده است. ما در تحلیل مسائل بین‌الملل و مسائل سیاسی خارجی نباید توان آقای دکتر یزدی را نادیده بگیریم، نمی‌گوییم مشابه آن را کم داریم ولی وزارت امور خارجه نظرات مختلف را بگیرد، مشورت بکند اگر خواست عمل کند اگر خواست عمل نکند.

همانطور که گفتم در مسائل اقتصادی می‌توانیم نظر مشورتی بدهیم. نهضت آزادی به اصلاح حاکمیت معتقد است و از هر طریقی که امکان این اصلاح وجود داشته باشد ما حاضر به همکاری هستیم.

*** اگر نکته پایانی‌ای دارید، بفرمایید؟**

من مجدداً از اظهار محبت روزنامه اعتماد ملی تشکر می‌کنم و برای شما و همه همکارانتان در راه مستقل ملی که طی می‌کنید از خداوند توفیق و سلامت آرزومندم.